

بررسی کارکرد تلمیحات بینامتنی تاریخ اساطیری و باستانی ایران در شعر شهریار

محمود مهمان نواز^۱

حامد بهشتی^۲

فاطمه بهشتی^۳

چکیده

تلمیح یکی از آرایه های ادبی است که بر جنبه ادبی شعر و نثر می افزاید و ادیب با استفاده از آن مخاطبان را به سمت و سوی نحله های فکری خود رهنمود میکند. در این پژوهش تلاش بر آن است که با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و منابع کتابخانه ای به بررسی کارکرد تلمیحات بینامتنی تاریخی مربوط به تاریخ دوران اساطیری- هخامنشی و ساسانی در شعر شهریار پرداخته شود. یافته ها حاکی از آن است که شهریار در تلمیحات شعری اش کوشیده در ذهن مخاطبان زمانه خود اندیشه هایی چون پیوند ژرف با اساطیر انسانی دیروز و ارتباط دادن آن با تاریخ معاصر امروز، پند و اندرز گرفتن از رویدادهای گذشته و ترویج ارق ملی را با توجه به افتخارات تاریخی پیشینیان القاء کند.

کلید واژه ها: آرایه تلمیح- شعر شهریار- تاریخ اساطیری- داریوش هخامنشی

مقدمه:

آرایه های ادبی به بخشی از توانمندی و ذوق شاعران گفته می شود که فراتر از وزن و قافیه شعری به عنوان زیبایی های هنری در شعر شاعران به کار می رود. که به گونه های مختلف تقسیم می شوند. یکی از مهم ترین آنها آرایه ادبی تلمیح است، در این راستا از گذشته های دور تا کنون شاعران پارسی گو تلاش کرده اند که داستان های عاشقانه و اتفاقات تاریخی را در قالب آرایه تلمیح در اشعار خود بگنجانند. به همین دلیل از شروع شعر فارسی دری تا به امروز آرایه تلمیح از پرکاربردترین و جذاب ترین آرایه های ادبی نزد شاعران ایرانی است. این جذابیت به اندازه ای بود که با گذشت قرن ها امروزه هم می توان تلمیح را کلیدواژه شعر شاعران معاصر ایران دانست. در این میان ظهور پدیده ی ناسیونالیسم در دوران جدید کاربرد آرایه تلمیح را در نزد برخی از شاعران شعر معاصر وارد مرحله جدیدی کرد این پدیده موجی از ملی گرایی بود که تحت تأثیر توجه به تاریخ ملی ایران به وجود آمد چرا که تحقیقات گسترده درباره اسطوره های ایرانی، کشفیات جدید باستان شناسی و دستاوردهای نوین تاریخی باعث شد شدیدترین نمونه ملی گرایی را در شعر برخی از شاعران دوران معاصر ایران در قرن های نوزده و بیست میلادی شاهد باشیم، به طوری که مضامین و کارکرد آرایه تلمیح در نزد برخی از شاعران معاصر دچار تغییرات عمده ای شد. یکی از شاعرانی که در این دوران به چنین کاری روی آورد محمدحسین شهریار بود او با آگاهی از تحقیقات نوین تاریخی و علاقه نسبت به هویت باستانی ایران به سرودن اشعاری پرداخت که سرشار از تلمیحاتی است که مضامین تاریخ اساطیری و روایات مربوط به دوران هخامنشی و ساسانی را در خود جای داده است.

این پژوهش کوششی است برای بررسی کارکرد تلمیحات بینامتنی تاریخی مربوط به تاریخ اساطیری و باستانی ایران در شعر شهریار، تا بر اساس آن به این پرسش ها پاسخ دهیم که:

الف- این تلمیحات چه کارکردهایی در شعر شهریار دارد؟

ب- اندیشه شهریار چه تأثیری بر کارکرد این تلمیحات داشته است؟

^۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه یاسوج

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه یاسوج

^۳ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه تربیت معلم، پردیس کوثر یاسوج

این بررسی زمانی ضرورت و اهمیت آن تبیین می‌گردد که بدانیم کارکرد این تلمیحات در شعر شهریار تنها تداعی داستان یا روایات تاریخی در ذهن مخاطب نیست بلکه در برگیرنده القاء اندیشه های فکری شهریار نیز هست.

۱- آرایه تلمیح:

تلمیح از ریشه عربی لَمَح گرفته شده است (محمدی، ۱۳۷۴: ۷) که به گوشه ی چشم اشاره کردن معنی میدهد و در اصطلاح به سخنی گفته می‌شود که شخص صحبت کننده در ضمن حرف های خود به داستان، مثل، حدیث یا آیه معروف اشاره می‌کند (همایی، ۱۳۸۹: ۲۰۶). برخی معتقدند آرایه تلمیح فکر خواننده متن را به تلاش و می‌دارد چرا که موضوعی را برای او تداعی میکند و همین خصلت تداعی‌گری تلمیح است که موجب زیبایی این آرایه و تأثیر گذاری بیشتر متن بر ذهن مخاطب می‌شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۴۵۵) از سوی دیگر برخی بر این عقیده اند که ادیب باید در ضمن کاربرد آرایه تلمیح روایات معروف را برای مخاطب بازآفرینی کند و با دیدگاهی متفاوت معنای آن مضامین را به شعر یا نثر خود پیوند دهد (توکلی، ۱۳۹۲: ۸) شاید به همین دلیل است که قدما نیز به بُعد معنایی تلمیح توجه داشته اند به گونه ای که نویسنده کتاب المعجم فی المعایر اشعار العجم در اثر خود در هنگام معرفی و تعریف واژه تلمیح به این نکته اشاره می‌کند که تلمیح آن چیزی است که کلمه یا لفظی کوتاه بار معنایی بسیار زیادی داشته باشد (قیس راضی، ۱۳۱۴: ۲۷۹) پس می‌توان گفت از همین آبخشور است که در دیدگاه افرادی چون محبتی تلمیح نوعی از ایجاز قلمداد می‌شود که با استفاده از آن پتانسیل و بار معنایی حرف و سخن بیشتر می‌شود. (محبتی، ۱۳۸۰: ۱۱۲).

۲- بحث و بررسی

۱- ۲- تلمیحات تاریخ اساطیری
شهریار در بیشتر اشعار شعری خود نگاهی به مضامین اساطیری تاریخ ایران دارد. اساطیری که در شاهنامه فردوسی رخ نمایانده اند این بار نیز در تلمیحات شعری شهریار حلول کرده اند، این تلمیحات بیشتر حول محور شخصیت هایی چون رستم دستان، کاوه و فریدون قرار دارند. که در ردیف اول از لحاظ آماری نام رستم به چشم می‌خورد. او یکی از قهرمانان اساطیری ایران است که شرح پهلوانی هایش و داستان معروف هفت خان او در دوره کیانیان اتفاق می‌افتد. (آموزگار، ۱۳۹۱: ۶۳) رستم محبوب ترین شخصیت شاهنامه و تاریخ اساطیری ایران نزد اقوام ایرانی است که شهریار نیز به خوبی از این امر آگاه بوده است. برای همین به نظر می‌رسد شهریار تلاش کرده در تلمیحاتی که درباره رستم دستان در شعر خود قرار می‌دهد نوعی پیوند میان حال و هوای مردمان ایرانی زمان معاصر با ویژگی کلیدی این پهلوان اساطیری ایران برقرار کند تا اثربخشی تلمیحاتش صدچندان شود. به طور مثال او در غزل {تهران و یاران} در یکی از ابیات خود می‌گوید

پور دستان که جوانانه به جنگش خیزند
هرگز ایران نفروشد طمع توران را

(شهریار، ۱۳۸۵: ۸۵/ج ۱)

که خود نوعی تعلق خاطر به ایران را در همه اعصار در ذهن خواننده تداعی می‌کند. اما این نوع تداعی به اینجا ختم نمی‌شود او در جایی دیگر در غزل {نامه ای به یحیی - ریحان} نیز به این امر به نوعی دیگر اشاره می‌کند.

گویند هنگام سفر با پور دستان زال زر
گفتا برون جان پدر، جان تو و ایران تو

(شهریار، ۱۳۸۵: ۵۷۳/ج ۱)

که گویی شهریار انگار می‌خواهد به ایرانیان عصر خود پابندی به ایران را تذکر دهد که خود خبر از تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوران دارد. از سوی دیگر این مدل پیوند میان اساطیر باستان و تحولات زمانی شهریار درباره دیگر شخصیت های افسانه ای ایران که شهریار آن را دست مایه تلمیحات خود قرار داده نیز صادق است. به گونه

ای که می بینیم کاوه‌ی آهنگر ناجی نامدار دوره اساطیری ایران به گونه‌ای دستاویز تلمیحات شعری شهریار قرار می‌گیرد که گویی شاعر می‌خواهد به مخاطبان خود القاء کند که کاوه زنده است و کاوه‌های معاصر زنده اند به گونه‌ای که می‌گوید:

ضحاکیان مرکزی بیرون برند از حد ستم
تا سر برآرد کاوه حداد آذربایجان

(شهریار، ۱۳۸۵: ۳۳۶/ج ۱)

کاوه شخصیتی اساطیری است که با داشتن پیشه‌ی آهنگری به حکومت ضحاک اعتراض می‌کند و مردم را در کمک به فریدون می‌شوراند. تنی چند از اسطوره‌شناسان ایرانی نام کاوه را صورت تغییر یافته لقب کی {کیانی} می‌دانند که پس از چندی پادشاهان سلسله کیانیان آن را برای خود انتخاب می‌کنند. (آموزگار، ۱۳۹۱: ۵۷) در همین راستا در جای دیگر شهریار اشاره می‌کند:

کاوه باشی که ستم حکم ندارد ورنه
خواه ضحاک شوی خواه فریدون باشی

(شهریار، ۱۳۸۵: ۴۰۲/ج ۱)

در این میان او چنین قیاس‌هایی را نیز برای دیگر پهلوانان اساطیری ایران در تلمیحات خود به کار برده است. فریدون یکی دیگر از این اساطیر است که رد پای او در تلمیحات شعری شهریار به خوبی به چشم می‌خورد. فریدون شخصیتی است که در منابع اساطیری لقب اژدها کش دارد و بر ضحاک غلبه پیدا می‌کند، اما او را نمی‌کشد و به توصیه‌ی اهورا مزدا زندانی اش می‌کند. حکیم توس در شاهنامه او را از نژاد جمشید جم قلمداد کرده است که برخی دیگر جشن مهرگان را یادبودی از به تخت نشستن فریدون می‌دانند. (آموزگار، ۱۳۹۱: ۸-۵۷) که در زیر به نمونه‌ای از چند بیت اشاره خواهیم کرد:

سترون نیست از فرزند زایی

(شهریار، ۱۳۸۵: ۶۰۱/ج ۱)

رهن زندان ابد ضحاک او

(شهریار، ۱۳۸۵: ۵۷۰/ج ۱)

همانا مادر فرخ فریدون

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

او فریدونی دماوند احتشام

که گویی شهریار در این تلمیحات می‌خواهد بگوید فریدون تنها متعلق به یک زمان نبوده است بلکه می‌توان فریدون‌های زمان خود نیز شد.

۲-۲. تلمیحات تاریخ هخامنشی
سلسله هخامنشیان نخستین امپراطوری وسیع شناخته شده در تاریخ بشر می‌باشد که از دل سرزمین ایران به پاخاست. وجود پادشاهان بزرگ و دادگری مانند کوروش و داریوش هخامنشی سبب شده تا این سلسله هم در میان ناسیونالیست‌های ایرانی و هم در میان شاعران دوره‌ی معاصر دارای جایگاه ویژه‌ای باشد. افتخار به گذشته تاریخی و وجه اشتراک این دو گروه می‌باشد.

به نظر می‌رسد شهریار با تداعی تاریخ دوران هخامنشیان در تلمیحات شعری خود مضامینی نو در دیوان خود به کار برده است. او در این راستا آبخورهای جدیدی برای مضامین تلمیحات خود پیدا کرده که به نوعی معانی کارکرد تلمیحات او را وارد مرحله جدیدی کرده است. نخستین خصوصیت تلمیحات شعری شهریار درباره عصر هخامنشی استفاده او از متن روایات رسمی دوره هخامنشی است این روایات رسمی همان کتیبه‌های بازمانده از دوران هخامنشی هستند، که او در این راستا کتیبه‌های داریوش بزرگ را مدنظر خود قرار داده است. شهریار در یکی از اشعار خود می‌سراید:

خورشید خاوران و شهنشاه آریان

وز مرز سبتها شده تا بوم هندوان

«من شاه داریوشم و فرزند ویشتاب

اقلیم من ز قاف و دانوب رفته تا حبش

(شهریار، ۱۳۸۵: ۵۶۰/ج ۱)

این دو بیت شهر اشاره ای مستقیم به یکی از کتیبه های داریوش بزرگ در نقش رستم دارد این کتیبه با نام اختصاری {DNA} در پشت نقش حجاری شده داریوش حک شده است. داریوش بزرگ در بند دوم این کتیبه می گوید:

«منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای دارای همه گونه مردم، شاه در این زمین دور و دراز، پسر ویشتاسب هخامنشی پارسی، پسر پارسی، آریایی، دارای نژاد آریایی» و داریوش در بند سوم این کتیبه می گوید: «داریوش شاه گوید: بخواست اهورا مزدا این کشورهایی که من جدا از پارس گرفتم بر آنها حکمرانی کردم، به من باج دادند آنچه از من به آنها گفته شد آن را کردند. قانون من آن ایشان را نگاه داشت. ماد، خوزستان، پارت، هرات، بلخ، سغد، خوارزم، زرنگ، رخیج، تگگوش، گندار، هند، سکائی های هوم نوش، سکاهاى تیزخود، بابل، آشور، عربستان، مصر، ارمنستان، کپدوکیه، سارد، یونان، سکاهاى ماوراء دریا، سکودر، یونانی های سپر بر سر، لیبی ها، حبشی ها، اهالی سک، کارئی ها» (نارمن شارپ، ۱۳۸۸: ۵-۸۴) آنچه که روشن است داریوش در این کتیبه ها پس از ذکر شجره نامه خود سرزمین های تحت فرمانش را نیز یک به یک نام می برد که شهریار نیز در دو بیتی که در بالا به آنها اشاره شد به زیبایی هرچه تمام تر این مضامین را در قالب آرایه تلمیح بیان کرده است. اما پیوند تلمیحات شعری شهریار با متن کتیبه های دوران هخامنشی به این جا ختم نمی شود. شهریار در آغازین بیت های قصیده تخت جمشید متن کتیبه های دیگری از داریوش بزرگ را در ذهن مخاطب تداعی می کند:

شاه جهان ستان که به گوشش سروش غیب گفتا به تخت جم شو و میراث خود ستان

(شهریار، ۱۳۸۵: ۵۶۰/ج ۱)

این بیت تلمیح به متن تاریخی کتیبه ی بیستون دارد که با نام اختصاری {DB} طولانی ترین روایت ایرانی از سال های زمام داری داریوش بزرگ است که به سه زبان پارسی باستان، ایلامی و بابلی نگاشته شده است. (وثوقی، ۱۳۹۱: ۱۴) داریوش در بندهای ۱۳ و ۱۴ کتیبه بیستون به داستان بردیای دروغین اشاره می کند که در غیاب کمبوجیه خود را پسر کوروش معرفی کرده بود تا بتواند بر تخت سلطنت ایران بنشیند که در همین راستا بر طبق مفاد بندهای مذکور در کتیبه ی بیستون داریوش ادعا می کند که به خواست و کمک اهورا مزدا توانسته بردیای دروغین را شکست دهد و شاهی را که متعلق به خانواده اش است باز ستاند. (رجبی، ۱۳۹۱: ۷-۳۶۶) گویی شهریار در این تلمیحات می خواهد رضایت خود را از اقدام داریوش نشان دهد و در ذهن مخاطب اقدامات داریوش را افتخاری بزرگ برای تاریخ ایران قلمداد کند. اما دومین خصوصیت تلمیحات شعر شهریار درباره ی عصر هخامنشی اشاره شهریار به کشفیات باستان شناسی است. بر طبق منابع باستان شناسی در شهریور ۱۳۱۲ تیم باستان شناسی هرتسفلد دو لوح طلائی و گلی و چند سکه متعلق به عصر داریوش را در تخت جمشید پیدا کردند. (طالبیان، ۱۳۹۳: ۳-۸۲) که شهریار نیز با استادی تمام این کشفیات باستان شناسی را در قالب تلمیح در اشعار خود بکار برده است:

چون دو صدف، بهر یک دو سکه و دو لوح از سیم و زر که چون گهرش هشته در میان

(شهریار، ۱۳۸۵: ۵۶۰/ج ۱)

تلمیحات شعر شهریار در مورد سلسله هخامنشی به این موارد ختم نمی شود بلکه او در اشعار دیگری هم تاریخ هخامنشیان را برای مخاطب تداعی کرده است، اشعاری که به عظمت و شوکت ایرانیان در آن روزگاران اشاره می کند که در زیر به آنها اشاره خواهیم کرد:

تاج تاریخ جهان کوروش هخامنشی است کز قماش و منش و محتشم و والا بود

(شهریار، ۱۳۸۵: ۲۲۸/ج ۱)

یا زمانی که می گوید:

از عهد حشمت و عظمت یاد می دهی ای مهد داریوش کبیر عظیم الشان

(شهریار، ۱۳۸۵: ۵۵۹/ج ۱)

که هر دو بیت بالا تلمیح به قدرت و عظمت حکومت کوروش و داریوش بزرگ دارند که شهریار می خواسته فخر و افتخار ایرانیان نسبت به دستاوردهای دوران هخامنشی را در تلمیحات این اشعار بازگو کند. در همین راستا شهریار در چندین مورد در ابیاتی دیگر با تلمیحاتی زیبا به یادگارهای دوران هخامنشی اشاره می کند که به عنوان مثال در بیت های زیر به دو مورد از آنها اشاره خواهیم کرد:

هنوز بارگه دادِ داریوش کبیر در احتشام ستون های تخت جم سراست

(شهریار، ۱۳۸۵: ۱۱۱/ج ۱)

که تلمیح به تخت جمشید یا پارسه پایتخت معنوی هخامنشیان دارد. مجموعه باستانی تخت جمشید نماد هنر و معماری ایران باستان به شمار می رود که به دستور داریوش بزرگ هخامنشی در استان فارس امروزی ساخته شده است که بخش هایی چون: کاخ آپادانا، تالار بیستون، کاخ مرکزی، کاخ هدیش و کاخ تچر بافت ساختمانی این بنای تاریخی را تشکیل داده اند (وثوقی، ۱۳۹۱: ۷-۲۶). اما در بیتی دیگر شهریار می سراید:

شقایق افسر و سوسن سپاه جاویدان چمن کنبه ای از نقش داریوش آمد

(شهریار، ۱۳۸۵: ۲۰۱)

که اشاره به سپاه جاویدان دوره داریوش دارد. این سپاه در دوره هخامنشی به منزله گارد شاهنشاهی تلقی می شد و متشکل از ده هزار نفر نیروی کارزبده بود که از میان پارس ها انتخاب می شدند و حفاظت همیشگی از شاهنشاه را بر عهده داشتند (بیانی، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

در پایان این بخش می توان گفت در تلمیحات شهریار نسبت به دوره هخامنشی می توان به عمق دیدگاه های شاعر و چیزی که او می خواهد در ذهن مخاطب تداعی کند پی ببریم که همان تداعی تجلی غرور و افتخار در ذهن ایرانیان است.

دانشگاه یاسوج

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

۲-۳. تلمیحات تاریخ ساسانی

حکومت ساسانیان آخرین سلسله باستانی ایران می باشد. مورخان از این سلسله به نسبت سلسله های پیشین دارای آگاهی و اطلاعات بیشتری می باشند همین امر سبب پدید آمدن آثار زیادی در زمینه تاریخ این حکومت شده است. همچنین این آگاهی تاریخی سبب گردیده تا شاهد بازتاب تاریخ این سلسله در میان شاعران ایرانی از قرون اولیه اسلامی تا دوران معاصر، باشیم.

شهریار در بخش تلمیحات شعری مربوط به روایات دوران ساسانی مضامینی را بیشتر به کار می برد که کارکردی پند و اندرز گونه داشته باشد اما در این روند هم نیم نگاهی به جلوه های تاریخ دوران ساسانی داشته است. به طور مثال، او در تلمیحات خود چندین بار از گنج بادآورد خسرو پرویز که منابع تاریخی به آن اشاره کرده اند نام می برد، که می گوید:

نه هر گنجی به جنگ آید به کف، تا حکم قسمت چیست میان گنج های خسروان بادآوری هم هست

(شهریار، ۱۳۸۵: ۱۲۵/ج ۱)

این تلمیح اشاره به داستان گنج بادآورد دارد که کریستین سن نیز در کتاب ایران در زمان ساسانیان به زبان مورخان کلاسیک اسلامی به آن اشاره کرده است. او می گوید: هنگامی که در زمان خسرو پرویز ایرانیان اسکندریه مصر را فتح کردند رومیان تلاش کردند ثروت خود را با استفاده از چند کشتی از ایرانیان دور کنند اما از شانس بد رومیان باد مخالفی وزید و این ثروت به دست ایرانیان افتاد. (کریستین سن، ۱۳۹۱: ۴۷۸) در این بیت این بار شهریار کوشیده است تا با دست آویز قرار دادن این روایت تاریخی تلنگری پندآمابه به مردمان زمانه خود بزند، او در جای دیگر اشاره می کند:

نه گنج ماند ز خسرو نه تخت ماند ز جمشید نه قصر ماند ز شیرین نه طاق ماند ز کسری

(شهریار، ۱۳۸۵: ۴۴۶/ج ۱)

اشعاری که می‌خواهد در ذهن مخاطب تداعی گر فناپذیری قدرت و ثروت را در این جهان القاء کند. اما به نظر می‌رسد تلمیحات شعری شهریار در مورد زمانه‌ی ساسانیان تنها در بردارنده‌ی مضامین پند و اندرز نیست بلکه در چند مورد او در تلمیحات خود یادگارهای سنن کهن ایران ساسانی را تداعی می‌کند مانند بیت زیر که اشاره به طبقه اجتماعی دهقانان در زمان ساسانیان دارد:

معنی دهقان قدیم اند این گروه در موازات تمدن زارع اند و باغدار

(شهریار، ۱۳۸۵: ۵۱۸/ج ۱)

یا جای دیگر که در قصیده‌ی {رودکی} از سقوط ساسانیان ابراز ناراحتی می‌کند و می‌سراید که:

چندی از انقراض ساسانی حال این مملکت دگر سان بود

(شهریار، ۱۳۸۵: ۴۹۹/ج ۱)

که تلمیح به اوضاع آشفته ایران پس از سقوط ساسانیان دارد. از سوی دیگر او در برخی تلمیحات دیگر مربوط به دوره ساسانی به نوعی حس افتخار را به مخاطب خود القاء می‌کند مانند بیت زیر:

از نگارین خشت و از فیروزه‌گون کانی همانا خود بهارستان خسرو یا نگارستان مانی

(شهریار، ۱۳۸۵: ۵۹۵/ج ۱)

این بیت همزمان اشاره به چند تلمیح تاریخی دارد او در این بین در وهله نخست به فرش معروف بهارستان اشاره می‌کند که کریستین سن آن را به نقل از ثعالبی «وهاری کسری» یا «بهار کسری» می‌نامد. (کریستین سن، ۱۳۹۱: ۴۸۸) در وهله‌ی دوم شهریار با نام بردن از مانی شخصیت اصلاح‌گر و نقاش دوره شاهپور ساسانی افتخار به مفاخر ایرانی را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند تا مخاطب ایرانی به داشته‌های گذشته خود مباحثات ورزد. مانی از نجیب زادگان ایرانی بود که در زمان شاهپور اول با استفاده از آموزه‌های ادیان زرتشتی، مسیحی و ... مکتب فلسفی- مذهبی جدیدی را پایه‌گذاری کرد که مورد حمایت شاهپور ساسانی قرار گرفت. اما چندی پس از مرگ این شاهنشاه با فشار روحانیون زرتشتی مانی در زمان بهرام اول محاکمه و کشته شد. به گفته مورخان مسلمان مانی در هنر نقاشی مهارتی خاص داشته است به گونه‌ای که کتاب ارژنگ او را سرشار از نقاشی‌های زیبا دانسته اند (کریستین سن، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۰۸). در پایان این سخن می‌توان گفت شهریار در کاربرد تلمیحات دوره ساسانی همزمان چندکارکرد را دنبال می‌کند که برخاسته از نحله‌های فکری او به شمار می‌رود. نحله‌هایی چون تداعی پند و اندرز و مباحثات کردن به تاریخ ملی.

۴. نتیجه‌گیری

با بررسی انجام گرفته می‌توان گفت شهریار در تلمیحات تاریخ اساطیری و باستانی اشعارش تنها به گوشه چشم اشاره کردن یا تداعی روایت تاریخی در نگاه ذهن مخاطب اکتفا نکرده است بلکه او کارکردهای چند وجهی را برای اثر بخش کردن تلمیحات خود به کار برده است. که می‌توان این کارکردها را در سه بخش متفاوت تقسیم کرد که عبارتند از:

الف: کارکرد تلمیحات دوران اساطیری: که شهریار می‌خواهد در ذهن مخاطب با تداعی نام اساطیر ایران پیوندی ژرف میان او با اساطیر گذشته برقرار می‌کند تا او را به خودباوری برای قهرمان شدن در زمان خود آماده کند. این بخش از اشعار شهریار برجستگی خاصی دارد که به نظر می‌رسد ناشی از درک این مساله از سوی شهریار است که: عامه مردم ایران به اساطیر ایرانی (مانند رستم، کاوه، فریدون، ضحاک و) هم آشنایی و هم دلبستگی دارند و شهریار برآن است تا با استفاده از این امر، با مخاطبین خود از هر طیفی ارتباط برقرار کند.

ب: می‌توان گفت شهریار در کارکرد تلمیحات شعری خود مربوط به زمان هخامنشی تلاش کرده در ذهن مخاطب روح ملی‌گرایی را رواج دهد و ایجاد تعلق و افتخار به یادگارهای دوران هخامنشی را به وجود آورد.

پ: اما در بخش سوم آنچه که به آن دست یافتیم نشان می دهد کارکرد تلمیحات شعری شهریار مربوط به دوره ساسانی حول محور مضامین پندمآبانه و اندرز گرایانه ای است که شهریار به زیبایی تمام کوشیده این مضامین را نیز همزمان با روایات ساسانی به ذهن مخاطب خود رهنمود کند تا مخاطب از رهیافت این مضامین تداعی بهتری از موضوع در ذهن خود بوجود بیاورد.

منابع و مأخذ

- آموزگار، ژاله (۱۳۹۱)، تاریخ اساطیری ایران (چاپ سیزدهم)، تهران: انتشارات سمت.
- بیانی، شیرین (۱۳۹۰)، تاریخ ایران باستان (۲) از ورود آریایی ها به ایران تا پایان هخامنشی (چاپ هفتم)، تهران، انتشارات سمت.
- توکلی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، «حافظ و آشنایی زدایی در قلمرو تلمیح»، مجله مطالعات بلاغی، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۷-۲.
- رجبی، پرویز (۱۳۹۱)، تاریخ ایران: ایلامی ها و آریایی ها تا پایان دوره هخامنشی (چاپ پنجم)، تهران: انتشارات پیام نور.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱)، رستاخیز کلمات، تهران: انتشارات سخن.
- قیس رازی، شمس (۱۳۱۴)، المعجم فی معایر الشعاع العجم، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: انتشارات مطبوعه مجلس.
- شهریار، محمدحسین (۱۳۸۵)، دیوان شهریار (چاپ بیست و هشتم)، تهران: انتشارات نگاه.
- طالبیان، عبدالحسین (۱۳۹۳)، تخت جمشید در تاریخ معاصر، شیراز: انتشارات نوید.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۹۱)، ایران در زمان ساسانیان (چاپ سوم)، تهران: انتشارات زرین.
- محبتی، مهدی (۱۳۸۰)، بدیع نو، تهران: انتشارات سخن.
- محمدی، محمدحسین (۱۳۷۴)، فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، تهران: انتشارات میترا.
- نارمن شارپ، رلف (۱۳۸۸)، فرمان های شاهنشاهان هخامنشی (چاپ سوم)، تهران: انتشارات پارسه.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۹۱)، بررسی منابع و مأخذ تاریخ ایران پیش از اسلام (چاپ پنجم)، تهران: انتشارات پیام نور.
- همایی، جلال الدین (۱۳۸۹)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: انتشارات اهورا.

همایش ملی پژوهشهای شعر معاصر فارسی

www.anjomanfarsi.ir